

## درایه الحدیث – کاظم مدیر شانه چی-دکتر خرمی

پیشگفتار مقدمه علم درایه یا مصطلح الحدیث مبادی علم مصطلح الحدیث تعریف مصطلح الحدیث یا درایه متن حدیث حدیث خبر سنت روایت اثر حدیث قدسی کیفیت استعمال این الفاظ اختصار سند طبقه صحابه تابعین و تبع تابعین (اتباع) : (مخضرم مولی مملی مستملی مسند محدث شیخ حدیث (جمع:مشایخ) : (مشیخه حافظ (جمع:حفاظ (مخرج و مخرج مرخرج عده اصحاب اجماع اصل، کتاب، مصنف جامع (جمع:جوامع) (مسند) (جمع:مسانید) (معجم) (جمع:معاجم) (مستدرک مستخرج) (جمع:مستخرجات) (جزء) (جمع:اجزاء) (نوادیر امالی انواع اصطلاحات حدیث متواتر و آحاد تقسیمات متواتر اقسام چهارگانه حدیث قوی صحیح حسن ( ۱۷) (حسن کالصحیح حسن الاسناد موثق ضعیف حدیث ضعیف به اصطلاح قدما و متاخرین اصطلاحات و اسامی دیگر حدیث متفق (جمع:متفقات) (متفرد) (جمع:متفردات) (غریب الاسناد غریب المتن و الاسناد غریب المتن، مفرد غریب اللفاظ) (مسند متصل و موصول معنعن مؤنن مرفوع معلق) (مفرد، شاذ، نادر، محفوظ متابع، شاهد مدرج مکاتب مصحف محرف عالی و نازل مساوات و مصافحه روایه الاقران مدیح روایه الاکابر عن الاصاغر معروف و منکر و مردود و متروک مطروح محفوظ و شاذ مسلسل مزید ناسخ و منسوخ محکم متشابه نص، مجمل، ظاهر، مؤول مبین و مجمل مقبول و مردود مشترک متفق و مفترق مؤتلف و مختلف مشکل موقوف، اثر مرسل مضمر مقطوع منقطع معضل معل مدلس مضطرب مقلوب مهمل مجهول موضوع اعتبار جعل حدیث علائم وضع و جعل حدیث موجبات جعل حدیث حجیت خبر واحد شرایط روایت و راوی شرایط روایت شرایط راوی معنی عدالت طرق شناسایی حال راوی جرح و تعدیل راوی الفاظ توثیق و مدح الفاظ جرح جرح و تعدیل روات حدیث حکم تعارض جرح و تعدیل آیا جرح و تعدیل به قول یک نفر ثابت می شود؟ تقطیع حدیث طرق تحمل حدیث آداب محدث آنچه مورد نیاز محدث است : فواید .1 کتب اربعه حدیث شیعیه .2 صحاح سته حدیث اهل سنت .3 موجبات عدول از اصطلاح قدما .4 اسامی مشایخی که در رجال یاد نشده اند .5 ...مرجحات دو روایت متعارض ( ۱) 6 (کتب اربعینیات .7 کتب اطراف .8 منابع و مدارک حدیث .9 احادیث متواتره .10 نام صحابه خرد سال .11 صغار صحابه مکتوبین حدیث .12 عدالت راوی .13 اصطلاح صحیح و حسن .14 صحیح الاسناد .15 حدیث مسند .16 :معلق .17 لزوم آشنایی به تاریخ برای نقد حدیث .18 تصحیح حدیث .19 تصحیح کتب حدیث .20 جوامع الکلم .21 صحابه طویل السن .22 صحابه ای که به غیر پدر منسوبند .23 نامهایی که بین مردان و زنان مشترک است .24 متفق و مفترق .25 سه برادر در سند یک حدیث .26 روایه الاقران .27 مکتوبین حدیث از صحابه .28 نمونه ای از حدیث مسلسل

این جانب، از دیر زمان متوجه شد قسمتی از دانش های اسلامی که روزگاران پیشین در حوزه های علمی متداول بوده است، در زمان ما دربوته اجمال، با دستخوش نسیان گردیده و از علوم اسلامی، فقط فقه و اصول، مکانت خود را محفوظ داشته، در صورتی که این دو علم، بر قسمتی از دانش های دیگر اسلامی مبتنی است و حتی فقط در باب قضاو شروط قاضی، به این ابتناء تصریح کرده اند، چنان که در پاره ای از کتب-که سلسله مراتب آموزش علوم شرعی را گزارش نموده اند-قسمتی از دانش های متروکه را در شمار مقدمات فقه و اصول آورده اند. از علوم اسلامی که اکنون از رسمیت افتاده، علم کلام و تمام علوم قرآن (قرائت و تجوید، تفسیر، احکام القرآن یا آیات الاحکام، و کلیه فروع آنها) است .

همچنین علوم حدیث (از حفظ و ضبط متن حدیث، شناسایی رجال حدیث، مصطلحات حدیث و شعب آن از ناسخ و منسوخ، وغریب الحدیث و غیره، مختلف الحدیث، جرح و تعدیل، فقه الحدیث) که ابتناء فقه و احکام شریعت بر آن، امری است که جملگی برآیند .

خوشبختانه نسبت به علوم قرآن، خاصه تفسیر، اخیرا کارهایی در کشورهای عربی اسلامی و به پیروی از آنان در ایران انجام شده است، چنان که چندین دوره تفسیر، در عصر حاضر و به سبک نوین در مصر نوشته شده است، به علاوه، مقالاتی نیز در مجلات دینی مصر و حجاز و اردن و غیره نگارش یافته است .

در نجف نیز مرحوم علامه بلاغی به کار تفسیری ( ۱ ) عصری دست زد که متأسفانه عمرش وفا نکرد، تا اخیرا حضرت استاد علامه طباطبایی تفسیر المیزان را نگاشته و خلئی را که در موضوع تفسیر شیعی مطابق مقتضای عصر وجود داشت پر نمود .

اما نسبت به حدیث، باز هم برادران اهل سنت، زودتر متوجه زیانی که از رکود بازار این علم متوجه عالم اسلامی بود گردیدند، چه، علاوه بر رسمیت تدریس حدیث در دانشگاه الازهر و دمشق و دارالحدیث الحسنی در رباط، قسمتی از متون سالفه حدیث و شروح کتب مزبور را به گونه شایسته ای انتشار دادند. ( ۲ ) و نیز کتاب هایی در اصول الحدیث و شرح جوامع سته به سبک نوین نشر یا تدوین نمودند. ( ۳ )

ضمنا بعضی از کارهای ارزنده مستشرقین را در زمینه حدیث، به عربی ترجمه و در دسترس استفاده قرار دادند. ( ۴ )

با این همه، باید اذعان کرد که بیگانگان از خود مسلمانان در این سباق پیشی گرفته اند، چه، علاوه بر چاپ تحقیقی و ترجمه متون مهمه حدیث نبوی به زبان های اروپایی (که می بایست مسلمین این کار

رامی کردند) مهمترین اثر ابتکاری حدیث در عصر حاضر توسط آنان انجام شد، و آن تدوین و نشر فهرست جامعی از احادیث مهمترین کتب حدیث نبوی ( ۵ ) است که تحت عنوان (المعجم المفهرس للفاظ الحدیث النبوی) به همت جمعی از مستشرقان در هفت جلد بزرگ به بهترین وجهی تدوین و به زیور چاپ آراسته گردید .

با این اثر ارزنده، نه تنها کار یافتن حدیثی از امهات کتب مشهور این علم آسان گردید، بلکه می توان دانست که حدیث مزبور یا موضوع آن در چه کتاب هایی آمده است .

خوشبختانه، پیشگامی دیگران از شیعه دیری نپایید. چه مرجع عالیقدر شیعه آیت الله فقیه طباطبایی بروجردی که همواره با روشن بینی خود ناظر تحولات زمان بود، با طرح تدوین کتاب جامعی در احادیث احکام که از هر جهت فقیه را از مراجعه دیگر کتب بی نیازسازد، تحولی در بازار راکد حدیث به وجود آورد. (۶) (۷)

چنان که با توجه دادن به خوشه چینان خرمن فیض درسش، به اهمیت علم رجال و نقش آن در منابع روایی فقه، بخشی از علم «اصول الحدیث» را که عبارت از رجال الحدیث است زنده کرد و نتیجه آن شد که در گوشه و کنار دست پروردگان آن جناب یا مقتبسان از مشکوه افکار عالیه وی با چاپ نوین امهات کتب حدیث شیعه ( ۸ ) و تدوین فهرس جامع برآن ( ۹ ) و نشر کتب رجالیه پیشینیان ( ۱۰ ) یا تألیف کتب تازه ای در علم رجال ( ۱۱ ) گامهایی در این زمینه برداشتند .

ولی در کار تاریخ حدیث و سایر رشته های اصول الحدیث و از جمله درایه الحدیث، کار تازه ای صورت نگرفت و همین تقیصه موجب شد که این جانب به فکر ترمیم آن برآید. قضا را پس از افتتاح دوره جدید دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد، درس علم الحدیث و نیز درایه، جزو برنامه درس قرار گرفت و قرعه تدریس آن را به نام این کمترین زدند. این بنده به ناچار یادداشتهایی در این زمینه فراهم ساخت .

اوراق پراکنده این درس، به همت یکی از دانشجویان به خطی خوش نوشته شد .

و به صورت منقحی یادگار دوران یکساله به این بنده اهدا گردید. حسن استقبال دانشجویان که در میان آنان فضیلتی از حوزه علمیه مشهد وجود داشت، مشوقم شد در تعطیل تابستان که مجال بیشتری برای بررسی مطالب درس مزبور داشتم، باری دیگر نظری به مطالب جزوه افکنده و آنچه را شایسته انضمام به نظرم رسید اضافه کردم... با همه زحمتهایی که در تهیه مطالب جزوه مزبور عملی شد، این جانب آن را قابل عرضه به بازار ادب نمی دید و انتظار فرصت می جست که با مراجعه به منابع بیشتر، نواقص آن را ترمیم کند. ( ۱۲ )

این کار نیز به یاری خداوند، تا مقدار میسور انجام شد و نظر خطاپوش دوستان مشوقم شد که این بضاعت مزجاء را به بازار دانش عرضه کند. و اینک گزارشی از محتوای مطالب معروضه از مقدمه چاپ اول علم الحدیث :

نخست در این دروس، معنای حدیث و روایات و مرادفات آن بیان گردید و سپس، پیدایش و صدور حدیث و تاریخ ضبط و تدوین آن در میان فریقین بررسی شد و در سیر تدوین حدیث که از جزوه ها به مجموعه ها و از آنها به مجموعه های کلان تر انتقال یافت، به اشباع سخن رفت و کارهایی که در پیرامون مجامع حدیث و شروح آن انجام شده بازگو گردید .

آنگاه به مناسبت کثرت حدیث در دوران های اخیر یادآوری شد که تمام منقولات را نمی توان راست پنداشت و یاد کردیم که حتی در زمان پیغمبر، جعل حدیث رواج داشته و پس از آن حضرت، دواعی جعل نه تنها از بین نرفت، بلکه فزون تر گردید و دست خیااتکار جعلان، دفتر این دانش را مشوش ساخت .

آنگاه پس از بیان موجبات وضع حدیث، و ذکر مثالی برای هر یک، اموری را که در حدیث شرط است باز نمودیم و برای تایید سخن، به نمونه ای از احادیث موضوعه و نام جمله ای از مشاهیر و ضاعین حدیث اشاره کردیم. و ضمناً یادآور شدیم که بیشتر کسانی که حدیث وضع می کردند، مردمانی ظاهر الصلاح بوده اند و این خود بردشواری تمییز مجعولات می افزاید .

نیز به سبب دیگری اشاره نمودیم که موجب سهل انگاری در امر حدیث شده و آن موضوع تسامحی است که در دلیل های سنن و مستحبات و منقولات تواریخ و مقاتل و فضایل به عمل می آید و یاد کردیم که بی مبالاتی در این موضوع، چه عواقب وخیمی در پیش دارد .

آنگاه وسایل تشخیص احادیث صحیح را از مجعول یاد نمودیم و چون در دیار ما گزیری از ترجمه حدیث نیست، سخنی چند در کیفیت ترجمه و آنچه در آن بایسته است باز گفتیم . آنگاه به اجمال از تشعبات علم الحدیث سخن رانده و در پایان، مصطلحات حدیث را به کوتاهی یاد کردیم. ( ۱۳ )

پس از انتشار چاپ نخستین، جمعی از داخل و خارج کشور با نامه ها و پیام های محبت آمیز، مرا مورد عنایت قرار دادند. گر چه نوشته من درخور تحسین نبود، ولی هر چه بود، خلئی را که در زمینه گزارش از حدیث و علوم آن در زبان فارسی مشاهده می شد تا حدیث پر کرد... ولی این بنده بدانچه ارایه شد بود بسنده نکرد و اوقات فراغت را در این زمینه به مطالعاتی پرداخت و نتیجه سیر در این گلزار، دامنی از گل های دماغ پرور بوستان علم الحدیث هدیه دوستان آورد که ضمیمه چاپ دوم گردید.

( ۱۴ )

چنان که در گزارش محتوای علم الحدیث ملاحظه فرمودید، در آن کتاب، بخش مصطلحات الحدیث یا درایه برای آشنایی دانشجویان و پژوهندگان و به عنوان جامع بودن مطالب کتاب، عرضه شده بود و قهرمانسبت ایجاب می کرد که به کوتاهی بسنده شود، ( ۱۵ ) ولی چون بخش مزبور در دانشکده الهیات رسماً جزو دروس قرار گرفت و نیز در بعض مدارس و حوزه های علمی قم و مشهد تدریس درایه متداول گردید، مناسب بود پژوهشی بیشتر در کتب فن به عمل آید و لباب اصطلاحات مزبور با امعان نظر در تعاریف پیشوایان علم درایه ثبت و ضبط شود .

برای این کار، امهات کتب درایه فریقین بررسی گردید، خلاصه و نقاوه سخن آنان در متن آورده شد و برای مزید فایده موزترین تعاریف را که در عین حال وافی به مراد باشد، در ذیل عنوان بازگو نمود تا فراگیرنده را حفظ آن سهل باشد .

نیز چنانچه اختلافی در تعبیر و نامگذاری بین عالمان فن وجود داشت یادآور شد و آنجا که اصطلاح امامیه با مصطلح اهل سنت متفاوت بود، هر دو را آورد تا ناظران در مجامع حدیث اهل سنت را نیز که به اصطلاح مزبور بر می خورند، راهنما باشد .

این است آنچه در این جزوه تقدیم صاحب نظران می شود و آنان خود آگاهند که کارهای تتبعی چه مشکل است و سهل نما. ولی تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .

با این حال آنچه را عماد کاتب که خدایش رحمت کناد گفته، تکرار می نماید که «:انی رایت انه لا یکتب انسان کتابا فی یومه الا قیل فی غده:لوغیر هذا لکان احسن، و لو زید کذا لکان یستحسن. و لو قدم هذا لکان افضل.ولو ترک هذا لکان اجمل.و هذا من اعظم العبر، و هو دلیل استیلاء النقص علی جمله البشر» در پایان این گفتار، تشکر از همه کسانی که مرا به گونه ای راهنما بوده یا تشویق فرموده اند و یا در کار چاپ و انتشار آن همکاری و بذل وسع نموده اند، فریضه ذمه خویش می داند و از خداوند متعالی مزید توفیق همه را مسالت دارد .

---

1. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن .

2. که از آنها: طبع مسند ابن حنبل با تحقیق استاد احمد شاکر، و شرح قسطلانی و شرح کرمانی بر صحیح بخاری است .

3. از آنهاست: چاپ تحقیقی علوم الحدیث حاکم نیشابوری، الکفایه خطیب بغدادی، مقدمه ابن صلاح، التقریب نووی، فتح المغیث سخاوی، المحدث الفاصل رامهریزی در (مصطلح الحدیث) و التاج الجامع للصحاح (در جمع و تدوین متون حدیث).

4. از آن جمله است کتاب پر ارج (مفتاح كنوز السنه).

5. برای نمونه: چاپ صحیح بخاری توسط کریل و جونبول در لیدن. و چاپ صحیح از روی نسخه مکتوب به سال ۱۴۹۲ ه. در مرسیه با ترجمه فرانسوی آن درپاریس به سال ۱۹۲۸ م. و ترجمه بخاری به فرانسوی توسط هوداس و مارسیه بسال ۱۹۰۳-۱۹۱۴ و ترجمه انگلیسی آن با تعلیقات و فهرست، توسط اسعدو وایس بسال ۱۹۳۵. و ترجمه قسمتی از آن به آلمانی توسط راینفرید را می توان نان برد(ر.ک: بروکلمان ج ۳)

6. کار جمع و تالیف این کتاب نفیس در حیات آن مرحوم و به دستگیری جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم انجام شد و ۲ جلد بزرگ از مجموعه مزبور به دستور آن جناب و فرزند والایش انتشار یافت و کار دیگر مجلدات حسب الامر آیت الله خویی در دست انتشار است.

7. در اینجا لازم است از کار دو محدث بزرگ شیعی در قرن حاضر یاد شود و آن جناب مرحوم حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل، و شاگردش مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی است که نوری، مستدرک را در حدیث و رجال (در بخش سوم کتاب) نگاشته، و قمی سفینه البحار را که فهرست گویایی از بحار است و خود مستقلاً کتابی ممتع و مفید، در حدیث و شرح اعلام به گونه دایره المعارفی مرقوم داشت.

8. مانند کتب اربعه حدیث امامیه (اصول کافی در ۲ جلد، فروع کافی در ۸ جلد، من لا یحضره الفقیه در ۴ جلد، تهذیب در ۹ جلد، استبصار در ۴ جزء).

9. چون فهرست وسائل الشیعه و فهرست نهج البلاغه (الکاشف) به قلم دوست فاضلم آقای حاج سید جواد مصطفوی.

10. که جامع الروات اردبیلی و رجال شیخ طوسی و رجال قهپائی و رجال بحر العلوم و تجدید چاپ کشی و فهرست طوسی به گونه تحقیقی، نمونه ای از آن است.

11. چون قاموس الرجال و معجم الرجال آیت الله خویی.

12. مقدمه علم الحدیث، ص ۵.

13. از مقدمه علم الحدیث، چاپ اول.

14. از پیشگفتار چاپ دوم علم الحدیث.

15. چنان که تمام بخش مزبور در چاپ دوم علم الحدیث ضمن نوزده صفحه آمده است.

## جزوه الحدیث:

دانش های حدیثی نزد شیعه به سه گروه تقسیم می شوند:

۱- دانش رجال حدیث، که به بررسی احوال راویان حدیث می پردازد.

۲- دانش درایه الحدیث یا همان، مصطلح الحدیث، و اصول الحدیث، دانشی است که به بررسی اصطلاحات حدیثی، از جهت متن و سند و کیفیت فراگیری احادیث می پردازد. یعنی کدام حدیث مرسل یا مرفوع و از جهت متن معتبر یا متروک هستند.

۳- فقه الحدیث: همان دانش فهم حدیث است، که حلقه پایانی دانش حدیث به شمار می رود. فقه الحدیث از دو کلمه (فقه- حدیث) تشکیل شده است.

فقه در لغت: به معنی (فهمیدن) ، و به معنی فهم عمیق نیز آمده است. بنابر این باید در دین تفقه کرد. تفقه در دین یعنی ژرف اندیشی ، در اعتقادات و احکام و آموزه های اخلاقی دین.

معنای فقه در قرآن (آیه نَفَرٌ = لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ).

فقه در اصطلاح به چه معناست؟ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفُرْعِيَّةِ عَنِ ادَّلَتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ.

دانش فقه به استنباط احکامی که مربوط به فروع دین است مانند (نماز و روزه، حج، زکات) از روی ادله تفصیلی آن می پردازد. فقیه: کسی است که از روی منابع چهار گانه (قرآن و سنت و عقل و اجماع) به استنباط احکام می پردازد .

حدیث در لغت: به معنی سخن تازه و جدید، سخن و کلامی که قبلا نبوده ولی بعدا پیدا شده است.

حدیث در اصطلاح: (شیخ بهایی) = كَلَامٌ يَحْكِي عَنِ الْقَوْلِ الْمَعْصُومِ (ع) أَوْ فِعْلُهُ أَوْ تَقْرِيرُهُ

(کلامی که قول و فعل و تقریر معصوم را حکایت می کند.

(تذکر: تقریر همان سکوت معصوم به نشانه تایید می باشد).

اصطلاح فقه الحدیث: فقه در معنی لغوی آن بکار رفته است و حدیث در معنای اصطلاحی آن.

تعریف فقه الحدیث: دانشی است که به بررسی متون احادیث از جهت دلالت آن می پردازد.

دلالت حدیث یعنی مسائلی مانند اینکه: بین احادیث رابطه عام و خاص یا محکم و متشابه وجود دارد یا اینکه آیا این حدیث حدیث هست یا نه؟ سخن معصوم هست یا نه؟

پیشینه مباحث فقه الحدیثی:

## ۱- دوران حضور معصومین (ع) (قبل از دوران غیبت))

الف) پرسش های راویان از صحت صدور و همینطور دلالت حدیث (معنی حدیث)، گاهی تایید ، گاهی رد و گاهی تصحیح می کردند.

ب) عرضه برخی از کتاب های حدیثی بر ائمه (علیهم السلام) و پرسش از چگونگی آن .

در دوره امام عسکری علیه السلام کتابی به نام یوم و لیلۀ تالیف یونس بن عبدالرحمن که در این کتاب به نظر می رسد احادیث عبادی در آن جمع آوری شده است که امام علیه السلام نویسنده آن را تایید کردند.

ج) تالیف کتاب هایی با عنوان ((اختلاف بین احادیث)) و ((علل الحدیث)) توسط شاگردان ائمه علیه السلام مانند: محمد بن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن بواسطه اختلاف در ثبت حدیث که گاهی تا بحث حلال و حرام اشتباه بوده است .

علل الحدیث : اشکالات و ضعف های احادیث که گروهی به رفع آن پرداخته اند.

## ۲- از دوره غیبت صغری (قرن سوم تا پنجم هجری)

در این دوران علم رشد قابل توجهی پیدا کرده است و کتابخانه ها گسترش پیدا کردند و آزادی هایی به علما داده شده است .

در زمان زمامداری آل بویه:

رشد علمی از جمله علم احادیث رشد بسیاری کرده اند و عالمانی مانند ابن سینا ، زکریای رازی ، شیخ طوسی ، شیخ مفید ، شیخ صدوق ، اثر حدیثی زیادی را از خود بجا گذاشته اند ، در همین دوره زندگی می کرده اند.

تلاش هایی که در همین دوره صورت گرفته است:

الف) مرحوم کلینی در کافی به شرح برخی از لغات و معانی برخی احادیث می پردازد.

ب) یکی از کتاب های شیخ مفید کتاب معانی الاخبار است که نخستین کتاب فقه الحدیثی شیعه است که به دست ما رسیده است.

ج) شیخ مفید دو کتاب دارد که جنبه فقه الحدیثی دارد ۱- رساله عدم سهو النبی ۲- رساله ای در نقد حدیث « انا معاشر الانبیا لانورثُ »

د- الاستبصار شیخ طوسی «بررسی و رفع اختلاف و تعارض بین احادیث»



دوره سوم دوره متأخرین

تلاشهای فقه الحدیثی در دوره متأخران: از قرن هفتم به بعد (قرن ۱۰ و ۱۲۰۱ دوره اوج مباحث فقه الحدیثی است، که کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده است از جمله آن:

۱- کتاب الوافی: اثر ملا محسن فیض کاشانی، که کار فقه الحدیثی آن توضیح مناسب لغات و رفع تعارض میان احادیث کتب اربعه است.

۲- بحار الانوار علامه مجلسی که می تواند یک تفسیر موضوعی باشد .

۳- مرآة العقول از علامه مجلسی (شرح کافی) شرح اخبار آل رسول ۲۶ جلد است .

۴- روضه المتقین به عربی ، و لوامع صاحب قرائیه (فارسی) از مرحوم محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی در شرح من لا یحضره الفقیه نوشته است

۵- شرح اصول کافی، ملا صالح مازندرانی

۶- اربعینیات مانند اربعین شیخ بهایی، اما اینکه چرا اربعینیات گفته اند این است که در یک حدیث نبوی آمده است، که اگر کسی چهل حدیث یاد بگیرد و به آن عمل کند خداوند او را در قیامت فقیه مشهور می کند.

#### شاخه های فقه الحدیث:

۱- غریب الحدیث: که تلاش دانشمندان را در بررسی لغات برانگیخته است.

چند نمونه از کتب غریب الحدیثی که عبارتند از:

الف- غریب الحدیث ابن سلام هروی، که جلد اول آن در مورد حدیث نبوی و جلد دوم آن به حدیث صحابه پرداخته است.

ب- غریب الحدیث خطابی (اهل سنت).

ج- النهایه فی غریب الحدیث، اثر ابن اثیر ؛ که فقط به بررسی لغات موجود در احادیث می پردازد.

د- غریب الحدیث فی بحار الانوار، تالیف آقای حسینی بیر جندی که تمامی لغت‌های بحار را جمع آوری کرده و در ۳ جلد نوشته است.

تذکر در سطح عمومی نیز می توان از معاجم عربی برای درک لغات حدیثی استفاده کرد. مانند:  
لسان العرب ابن منظور- العین خلیل بن احمد فراهیدی و مجمع البحرین فخر الدین طریحی،  
شیخ صدوق در معانی الاخبار بخش وسیعی از لغات سخت را توضیح داده است.

۲- شرح احادیث: غریب الحدیث زیر مجموعه شرح احادیث است.

تذکر فهم متون قرآنی یا حدیثی دو مرحله دارد؟

۱- فهم مفاد استعمالی	نخستین مفهومی که از یک متن فهمیده می شود که همان معنای ظاهری است.
۲- فهم مراد جدی	که کشف و حقیقت باطن یک متن است مانند جمله (قُمْ فَاقْطَعْ لِسَانَهُ) که معنای ظاهری آن است و مفاد استعمالی آن این است که برخیز و زبانش را قطع کن. اما مراد جدی آن این داستان است که شخصی با پیامبر به تندی سخن می گفت، همگان می گفتند پیامبر دستور به قطع زبان او می دهد اما حضرت علی (ع) مطلب را فهمید و حتی به مرد کمک کرد.

۳- آسیب شناسی و نقد و پالایش حدیث از جهت سند و محتوی ، هر چند بررسی سند برای علم رجال است ولی از این نگاه می توان به آن وارد شد. اما باید مقداری احتیاط کرد چون وقتی پای نقد به میان می آید نباید همه احادیث را مورد اشکال قرار داد.

۴- بررسی دلالت حدیث از جهت عام و خاص، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین (که در نزد برخی به این کار ، تشکیل منظومه یا خانواده حدیث گفته شده است)

۵- تشخیص سبب صدور حدیث: حوادثی که موجب صدور این احادیث شده است ، که تشخیص آن بر عهده علمای فن است مانند اسباب النزول در قرآن

۶- رفع تعارض بین اخبار: پالایش حدیث مانند کتاب الاستبصار شیخ طوسی

شرح حدیث: (نمونه و مثالهایی در مورد شرح احادیث)

مثال اول: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء

که در اینجا مراد استعمالی از مداد مرکب است نه مداد به معنای وسیله برای نوشتن و ترجمه صحیح آن چنین است: مرکب دانشمندان برتر از خون شهیدان است. لازم به ذکر است که این حدیث نقل به معنی شده؛ چنانچه پیامبر می فرماید: در روز قیامت، مرکب عالمان را وزن می کنند به لحاظ کمی و نه کیفی اگرچه نباید هر دو با هم مقایسه شوند، و این مقایسه کیفی نیست. و خلاصه اینکه در روز قیامت، خون شهدا با مرکب عالمان سنجیده می شود، که این سنجش به لحاظ کیفی است.

## مثال دوم : النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی

مراد استعمالی از واژه (رغب عن: به معنای روی آورد و رغب فیه به معنی تمایل پیدا کرد. ازدواج سنت من است و هر که از سنت من روی گردان شود از من نیست.

در اینجا واژه النکاح به معنی ازدواج نیامده است بلکه به معنای مباشرت و مناکحه با زنان آمده است. پیامبر اکرم ص در شرح این حدیث فرمودند عده ای از جوانان، بسیاری از مشروبات و مأكولات را بر خود حرام و ممنوع ساختند و ازدواج نمی کردند، که پیامبر فرمود من نیز چون شما گوشت می خورم و از غذاهای متعددی استفاده می کنم شما نیز از همه موارد استفاده کرده، و ازدواج کنید.

## مثال سوم: امام صادق(ع) از امام سجاد نقل می کند:وَيْلٌ لِمَنْ غَلَبَتْ أَحَادِهِ أَعْشَارُهُ:

وای بر کسی که یکی هایش بر ده تایی هایش غلبه کند. در شرح این حدیث با توجه به آیه ۱۶۰ سوره انعام باید گفت؛ (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها) و هر که کار خوبی انجام دهد ده برابر پاداش می گیرد و هر که کار بدی انجام دهد درست به همان مجازات می شود.

## مثال چهارم: اِنَّ مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْءِ خَفَّةَ عَارِضِيهِ:

یکی از نشانه ای مرد سبکی گونه و چانه هایش است. در شرح این حدیث باید گفت، که؛ یعنی چانه هایش به ذکر خداوند مشغول باشد؛ امام صادق(ع) فرمود: اِنَّمَا السَّعَادَةُ خِفَّةُ مَا ضَغِيهِ بِالتَّسْبِيحِ (سعادت مرد آن است که چانه اش به ذکر خدا مشغول باشد).

مثال پنجم: شخصی از امام صادق (ع) پرسید: من شنیدم از کسی که به حضرت امیر (ع) گفت من شما را دوست دارم (اِنِّي اُحِبُّكَ) جواب داد ((اَعِدُّ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا)) برای فقر پوششی آماده کن.

در شرح این حدیث چند نظر گفته شده است:

۱- با دوست داشتن من پوششی از فقر در روز قیامت برای خودت فراهم کردی یعنی خودت را بیمه کردی.

۲- اینکه آماده باش فقر به سراغت می آید، و خودت را برای آن آماده کن.

۳- تشویق به زهد و عدم دلبستگی به دنیا است. (امالی سید مرتضی)

مثال ششم: از امام محمد باقر می پرسند ((اِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ)) هرگاه شناخت پیدا کردی، هر کاری خواستی انجام بده؛

که در اینجا منظور راوی همان گروه (مرجئه) که معتقد بودن هر که ایمان داشته باشد، گناهان کبیره به او آسیب نمی رساند. امام باقر ع فرمود در هر کار به شناختی دستیابی پیدا کردی هر کار خیری که خواستی انجام بده (اذا عرفت الحق فاعمل ما شئت من خیر یقبل منک؛ وقتی به معرفت رسیدی، هر کار مستحبی و خیری انجام دادی از تو پذیرفته می شود.

**مثال هفتم:** مَنْ مَثَلٌ مِثَالاً أَوْ اقْتَنَى كَلْبًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ هر که مجسمه ای بسازد و سگی را آب و غذا بدهد از اسلام خارج شده است. یعنی (مَنْ نَصَبَ دیناً غَیْرَ دینِ اللَّهِ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَیْهِ؛ هر کس دین جدید بیاورد و بدعت کند در این صورت از اسلام خارج شده است. و هر کس به دشمنان اهل بیت کمک دهد و یاری رساند مُبْغِضاً لَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ است یعنی مورد غضب ما اهل بیت است .

آسیب شناسی

**جعل و وضع:** مهمترین آسیبی است که به احادیث وارد آمده است.

**نقد و بررسی حدیث نقد در لغت به معنای درهم و سکه آمده است.** (النَّقْدُ تَمِیِزُ الدَّرَاهِمِ وَ إِخْرَاجُ الزَّیْفِ مِنْهَا

یعنی جدا کردن درهم ها از سکه های سیاه. یا مثالی دیگر ((نَقْدُ الطَّائِرِ الْحَبِّ، پرنده دانه بر می چیند. در نقد شعر یا نثر می گوئیم؛ بیان نقاط قوت و ضعف یک شعر یا نظم می باشد.

**نقد حدیث عبارتند از:** شاخه ای از فقه الحدیث که به بررسی احادیث و پالایش آنها می پردازد..

تاریخچه نقد حدیث:

حدیث نبوی در این زمینه آمده است که ، ۱- مَنْ كَذَّبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ (هر کس عمداً به پیامبر دروغ بزند، جایگاهش در آتش است. که این حدیث جعلی است.

۲- در مورد حدیث ابوهریره: که ایشان از مکرترین بوده است و زیاد حدیث نقل می کرده است.

۳- از عایشه سوال شد، آیا این درست است که می گویند پیامبر خدا را دیده است، عایشه جواب داد این چه سوالی است که می پرسید، جواب داد به استناد آیه ۳۰۱ سوره انعام (لایدركه الابصار و هو یدرك الابصار، که با این آیه این سوال مردود شده است.

۴- از عایشه سوال شد که فردی از دنیا رفته و اطرافیان با گریستن سعی در کاهش عذاب وی دارند. عایشه گفت این باور غلط خلیفه دوم است. در حالیکه سخن صحیح در این مورد این است که روزی پیامبر ص از کنار خانه یک یهودی می گذشت که مرده بود و اطرافیان در حال گریستن بودند و به خیال خود می پنداشتند که با این گریستن بار عذاب او را کم می کنند در حالیکه پیامبر فرمود: او

اکنون در حال عذاب شدن است. چرا که (لَاتَزِرُ وَازِرَهُ وِزْرَ أَخْرَى، هیچکس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.

ضرورت نقد حدیث:

چه چیزهایی موجب شد، که احادیث را با جنبه انتقادی بنگریم.

۱- در احادیث ما نقل به معنی زیاد شده است. مهم این است که اصل نقل به معنی مجاز است و امری معقول به شمار می آید. در نقل به معنی گفته می شود که معمولا یک یا چند کلمه کم و زیاد می شود، که امام فرمود اگر در اصل معنای آن تغییر ایجاد نکند اشکالی ندارد. البته به علت سوء فهم برخی از روایان معنی نادرستی از حدیث به شنونده ارائه می گردد. یعنی اگر لباس کسی نجس و آلوده شود با مقراض بریده شود در حالیکه منظور این بوده است که آن جای نجس باید با آب شستشو گردد، نا با بریدن قیچی

۲- **تقطیع** در روایات و احادیث: تقطیع یعنی جدا کردن آن قسمت از حدیث که در ارتباط با موضوع مورد نظر است. در این گونه موارد بهتر است که در مورد کل حدیث آدرس کاملی از آن داده شود و سپس تقطیع انجام گیرد. اما برخی به تقطیع حدیث پرداخته ولی اشارتی به قبل و بعد آن حدیث نداشته اند.

مثلا شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه تقطیع کرده ولی به قبل و بعد آن توجهی نکرده است. و آیت الله بروجردی کتاب جامع احادیث شیعه را به ورت کامل و بدون تقطیع چاپ نموده است.

۳- دفاع از حدیث: یعنی همان شناخت نقد های حدیث

۴- بروز تحریفات و تصحیفات در احادیث

۵- پدیده جعل و وضع در احادیث: یعنی ساختن احادیث دروغین و دست بردن در آنها.

آسیب ها در حوزه حدیث کدامند؟

۱- **تحریف و تصحیف** اقسام تحریف عبارتند از: ۱- تحریف لفظی ۲- تحریف معنوی که در قرآن تحریف لفظی نشده ولی تحریف معنوی صورت پذیرفته است. ولی در حوزه حدیث هم تحریف لفظی شده و هم تحریف معنوی

مثالها برای تحریف لفظی در حدیث:

**مثال اول :** والامانه نظاما لامه خداوند امانت را موجب ساماندهی امور جامعه و امت قرار داده است. و در برخی نسخه های دیگر در اصل (والامامه) یعنی رهبری معصوم موجب ساماندهی امور جامعه است (امانت داری) که در همه این موارد تحریف لفظی روی داده است.

**مثال دوم:** در مورد حدیث شریف ثقلین که در برخی از موارد کتاب اللّٰه و عترتی آمده است که از دیدگاه شیعه همین صحیح است. و در بعضی موارد کتاب اللّٰه و سستی آمده ، که این دیدگاه شیعه است.

پیامبر در دعوت خویش در حادثه غدیر فرمود: ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا در اینجا لفظ اخی به شکل صحیح آمده ولی اهل سنت به جای ولی و خلیفه (کذا و کذا) آورده است. که یک تحریف لفظی صورت پذیرفته است.

### **تحریف معنوی:**

۱- در مورد تفسیر حدیث غدیر که از کلمه (مولا) به معنای دوست استعمال شده است در حالیکه در اینجا مقصود از مولا به عنوان رهبر و لی و جانشین بعد از حضرت رسول اراده شده است. چرا که در آن هوای گرم و سوزان باید خبر مهمی را پیامبر برساند و برای کلمه مولا به معنی دوست ضرورتی نداشت کاروان را توقف دهد، بلکه هدف همان جانشینی پیامبر بود. (من کنت مولاه فهذا علی مولا)

۲- از مصادیق دیگر تحریف معنوی ، ترویج و ترسیم چهره خشن از امام علی (ع) و امام مهدی (عج) یعنی آن بزرگواران را با چشمانی درشت و هیكلی نیرومند ترسیم کنند

**مثال سوم:** پیامبر اکرم به عمار فرمود (تقتلک الفئء الباغیة) گروهی ستمگر تو را خواهند کشت. عمرو عاص که نمی توانست اصل حدیث را عوض کند، بلافاصله گفت کسی تو را کشته است که تو را دعوت به جنگ کرده است.